

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ا. م. شیرینی
۲۷ جنوری ۲۰۱۴

تذکر فرستنده:

چند صباحی است که وزش شورانگیز طوفان حقیقت آغاز شده و به تدریج همهٔ لجنهای پاشیده «مورخان»، گماشتگان و مبلغان جاعل و جاهل سرمایه بر مزار و سیمای ستالین، این اولین رهبر سازندگی سوسیالیستی در جهان را همراه با خود به زیاله دانی تاریخ می برد؛ ابرهای تیره را از مقابل خورشید حقیقت کنار می زند و در زیر تابش آن، تمامی جعلیات، افتراءات و افسانه پردازیهای اهریمنی استثمارگران اندک- اندک آب می شوند؛ حقایق تاریخی از زیر آوار دستگاه تبلیغاتی مخرب «غرب» سر برمی آورند.

ستالین پرچم است. پرچم لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و زمین؛ پرچم لغو استثمار و بهره کشی انسان از انسان؛ لغو بیکاری و بیخانمانی؛ لغو بی حقوقی کارگران و زحمتکشان؛ لغو طبقات انگلی جامعه و به طور کلی، حل تضاد آنتاگونیستی کار و سرمایه به نفع کار.

ستالین ستیزی، سخیف ترین روش ابداعی ارتجاع بورژوازی برای پائین کشیدن پرچم آزادی پرولتاریای جهان از قید استثمار و بردگی است. این واقعیت را دریابیم؛ گذشتهٔ پرافتخار جنبش کمونیستی جهان را فراگیریم؛ تجربیات گرانبهای آن را بیاموزیم و از آن چراغی برای آینده بسازیم.

ا. م. شیرینی

نطق ستالین به مناسبت مرگ لنین

در دومین کنگره شوراهای کل اتحاد شوروی

۲۶ جنوری سال ۱۹۲۴ (۱)

رفقاء! ما کمونیست ها مردمی از سرشت ویژه ایم. ما از مصالح خاصی برش یافته ایم. کسانی هستیم که سپاه سردار بزرگ پرولتاریا، سپاه رفیق لنین را تشکیل می دهیم. هیچ افتخاری بالاتر از تعلق به این سپاه نیست. هیچ افتخاری بالاتر از داشتن نام عضویت حزبی که بنیادگذار و رهبر آن رفیق لنین است، نمی باشد. همه کس را تاب تحمل مصائب و طوفانهای مربوط به عضویت این حزب نیست. فرزندان طبقه کارگر، فرزندان نیاز و مبارزه، فرزندان حرمانهای بی پایان و مساعی قهرمانانه- اینها هستند آن کسانی که مقدم بر همه باید اعضای چنین حزبی باشند. به این علت است که حزب لنینیستها، حزب کمونیستها در عین حال حزب طبقه کارگر نامیده می شود.

هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می کرد، به ما وصیت کرد که نام بزرگ عضویت حزب را بلند و پاکیزه نگاه داریم.

سوگند یاد می کنیم به تو، رفیق لنین، که ما این وصیت تو را با شرافت انجام خواهیم داد!...

۲۵ سال تمام رفیق لنین از حزب ما پرستاری کرد و آن را محکم ترین و آبدیده ترین حزب کارگری دنیا به بار آورد. ضربات تزاریسیم و دژخیمان وی، سببیت بورژوازی و ملاکان، حملات مسلحانه کلچاک و دنیکن، مداخله مسلحانه انگلیس و فرانسه، دروغ و افتزای مطبوعات یک سر و صد زبان بورژوازی- تمام این کژدمهای مودی در خلال یکربع قرن لاینقطع بر سر حزب ما می ریختند. ولی حزب ما همچون صخره ای بر جای ایستاده، ضربات بیشمار دشمنان را دفع و طبقه کارگر را به جلو، به سوی پیروزی می برد. وحدت و همپیوستگی صفوف خود را حزب ما در نبردهای شدید آب داده و مستحکم نموده است. با یگانگی و همپیوستگی است که حزب بر دشمنان طبقه کارگر غالب آمد.

هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می کرد، به ما وصیت کرد که یگانگی حزب را مانند مردمک چشم حفظ کنیم. سوگند

یاد می کنیم به تو، که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد!..

طبقه کارگر سرنوشت سخت و تحمل ناپذیری دارد. مصائب رنجبران دردناک و طاقت فرساست. بردگان و برده داران، سرف ها و سرف داران، دهقانان و ملاکان، کارگران و سرمایه داران، ستمکشان و ستمگران،- بنای جهان از قرنهای پیش بدین وضع بوده و بدین وضع هم اکنون در اکثریت قاطع کشورها باقی مانده است. رنجبران در خلال قرنهای دهها و صد ها بار تلاش کرده اند تا پشت خود را از زیر فشار ستمگران خلاص نموده و صاحب اختیار وضع خویش گردند. ولی هر باره منکوب و بدنام، محبور به عقب نشینی شده اند. در حالی که رنج خواری و ذلت و کین و حسرت را در دل خود جای داده، دیده به آسمان نامعلومی که امیدوار بودند وسیله نجاتی از آنجا بیابند، دوخته اند. زنجیرهای بردگی همواره دست نخورده می ماند یا این که زنجیرهای کهن به زنجیر های نوی بدل می گشت که به همان اندازه طاقت فرسا و ذلت بار بود. فقط در کشور ما بود که ستمدینگان و توده های از پای در آمده رنجبر، موفق شدند بار سیادت ملاکان و سرمایه داران را از دوش خود براندازند و سیادت کارگران و دهقانان را جایشین آن نمایند. شما می دانید، مبارزه عظیم را رفیق لنین و حزب او رهبری کرد. عظمت لنین قبل از همه در همین است که با ایجاد جمهوری شوراهای، عملاً به توده های ستمکش تمام جهان نشان داد که امید نجات از بین نرفته است، که سیادت ملاکان و سرمایه داران را بقائی نیست، که سلطنت کار را می توان با نیروی خود رنجبران به وجود آورد، که سلطنت کار را باید در زمین به وجود آورد نه در آسمان. بدینوسیله او آتش امید و آزادی را در قلب کارگران و دهقانان تمام جهان بر افروخت. این حقیقت که نام لنین برای توده های رنجبر و استثمارشونده محبوبترین نامهاست، از همین جا سرچشمه می گیرد.

هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می کرد، به ما وصیت کرد که دیکتاتوری پرولتاریا را حفظ کرده و مستحکم سازیم،

سوگند یاد می کنیم به تو، رفیق لنین، که از نیروی خود دریغ نخواهیم داشت تا این وصیت تو را هم با شرافت انجام

دهیم!...

دیکتاتوری پرولتاریا در کشور ما بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان به وجود آمد. این اولین پایه اساسی جمهوری شوراهاست. بدون وجود این اتحاد، ممکن نبود کارگران و دهقانان به پیروزی بر سرمایه داران و ملاکان نائل گردند. بدون پشتیبانی دهقانان، کارگران نمی توانستند سرمایه داران را مغلوب سازند، بدون رهبری از طرف کارگران، دهقانان نمی توانستند ملاکان را مغلوب کنند. تمام تاریخ جنگ داخلی کشور ما گواه این حقیقت است. ولی به پایان مبارزه برای تحکیم جمهوری شوراهای هنوز خیلی مانده است، - این مبارزه فقط شکل جدیدی به خود گرفته است. سابقاً اتحاد کارگران و دهقانان شکل اتحاد نظامی داشت، زیرا این اتحاد علیه کلچاک و دنیکن متوجه بود. اکنون اتحاد کارگران و دهقانان باید شکل همکاری اقتصادی بین شهر و ده، بین کارگران و دهقانان را به خود بگیرد، زیرا این

اتحاد علیه تاجر و کولاک متوجه است، و هدف آن تأمین متقابل کلیه حوائج دهقانان و کارگران می باشد. شما می دانید که هیچ کس به قدر رفیق لنین در اجرای این وظیفه پافشاری نمی کرد.

هنگامی که رفیق لنین مارا ترک می کرد، به ما وصیت کرد که با تمام قواء اتحاد کارگران و دهقانان را مستحکم سازیم. سوگند یاد می کنیم به تو، رفیق لنین، که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد!...

دومین پایه جمهوری شوراهای اتحاد زحمتکشان ملیتهای کشور ماست. روسها و اوکرائینی ها، باشقیرها و بلوروسها، گرجی ها و آذربایجانی ها، ارمنی ها و داغستانی ها، تاتارها و قرقیزها، ازبک ها و ترکمن ها، - همه آنها به طور یکسان به تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا علاقه مند هستند. نه تنها دیکتاتوری پرولتاریا این ملت ها را از زنجیر و ظلم خلاص می کند، بلکه این ملتها نیز با صداقت و صمیمیت بیدریغ خود نسبت به جمهوری شورا ها، با آمادگی خود برای جانفشانی در راه آن، جمهوری شوراهای ما را از دسائس و دستبرد دشمنان طبقه کارگر در امان نگاه می دارند. به این علت است که رفیق لنین لزوم اتحاد دواطلبانه ملت های کشور ما، لزوم همکاری برادرانه آنها را در قالب اتحاد جمهوریها به طور خستگی ناپذیری به ما گوشزد می کرد.

هنگامی که رفیق لنین مارا ترک می کرد، به ما وصیت کرد که اتحاد جمهوریها را مستحکم کنیم و بسط دهیم. سوگند یاد می کنیم به تو، رفیق لنین، که این وصیت تو را هم با شرافت انجام خواهیم داد!...

سومین پایه دیکتاتوری پرولتاریا، ارتش سرخ و نیروی دریائی سرخ ما می باشند. لنین بارها به ما می گفت که تنفسی که ما از کشورهای سرمایه داری به دست آورده ایم، ممکن است کوتاه مدت باشد. لنین بارها به ما خاطر نشان می کرد که تحکیم ارتش سرخ و بهبود وضع آن یکی از مهمترین تکالیف حزب ما می باشد و حوادث مربوط به اتمام حجت کردن و بحران المان (۲) یک بار دیگر ثابت کرد که باز هم مانند همیشه حق به جانب لنین بود. پس سوگند یاد کنیم رفقاء، که ما از نیروی خود برای تحکیم ارتش سرخ و نیروی دریائی سرخ خود دریغ نخواهیم داشت.

کشور ما که در اقیانوس دولتهای بورژوازی احاطه شده همچون صخره عظیمی بر پای ایستاده است. امواج از پی امواج روی آن غلتیده به غرق شدن و سائیده شدنش تهدید می نماید. ولی این صخره همچنان خلل ناپذیر بر جای مانده است. نیروی آن در چیست؟ نیروی آن تنها در این نیست که کشور ما بر اتحاد کارگران و دهقانان استوار است و تجسمی است از اتحاد ملیتهای آزاد و دست نیرومند ارتش سرخ از آن دفاع می نماید. نیروی کشور ما، استحکام آن و استواری آن در این است که در قلوب کارگران و دهقانان تمام جهان حس همدردی ژرف و پشتیبانی خلل ناپذیری نسبت به آن وجود دارد. کارگران و دهقانان تمام جهان می خواهند جمهوری شوراهای ما را به مثابه تیری که از دست صائب رفیق لنین به سوی اردوگاه دشمنان رها شده است، به مثابه تکیه گاه امیدواریهای خود برای خلاصی از زیر بار ظلم و استعمار و به مثابه راهنمای صحیحی که راه خلاصی را به آنان نشان می دهد. حفظ نمایند. آنها می خواهند آن را حفظ نمایند و نخواهند گذارد که ملاکان و سرمایه داران منهدمش سازند. نیروی ما در این است. نیروی زحمتکشان تمام جهان در این است. و ضعف بورژوازی تمام جهان نیز در همین است.

لنین هیچ گاه به جمهوری شوراهای ما به منزله کمال مطلوب نگاه نمی کرد. او همیشه آن را به منزله حلقه ضروری برای تسهیل پیروزی رنجبران تمام جهان بر سرمایه می نگریست. لنین می دانست که فقط اینگونه فهم مطلب است که نه تنها از نقطه نظر بین المللی، بلکه از نقطه نظر بقای خود جمهوری شوراهای ما نیز صحیح می باشد. لنین می دانست که فقط بدینوسیله می توان قلوب رنجبران تمام جهان را برای مبارزات قطعی در راه آزادی مشتعل نمود. به این علت بود که او - نابه ترین پیشوایان نابه پرولتاریا، در همان فردای دیکتاتوری پرولتاریا شالوده انترناسیونال کارگران را ریخت. به این علت بود که او، از بسط و تحکیم اتحاد رنجبران تمام جهان یعنی انترناسیونال کمونیست خستگی نداشت.

شما طی این روز ها دیدید که چگونه ده ها و صدها هزار زحمتکش به دیدار تابوت رفیق لنین می آمدند. پس از اندک زمانی شما خواهید دید که چگونه نمایندگان میلیون ها زحمتکش برای بازدید آرامگاه رفیق لنین خواهند آمد. می توانید یقین داشته باشید که از پس این نمایندگان میلیون ها، بعدها سلی از نمایندگان ده ها و صدها میلیون نفر از تمام اکناف عالم رو آور خواهند شد تا گواهی دهند که لنین فقط پیشوای پرولتاریای روسیه، فقط پیشوای کارگران اروپا، فقط پیشوای خاور مستعمره نبوده بلکه پیشوای زحمتکشان تمام کره ارض نیز بود.

هنگامی که رفیق لنین مارا ترک می کرد، به ما وصیت کرد که به اصول بین الملل کمونیست وفادار باشیم. سوگند یاد می کنیم به تو، رفیق لنین، که ما از جان خود دریغ نخواهم داشت تا این که اتحاد رنجبران همه جهان یعنی انترناسیونال کمونیست را مستحکم سازیم و بسط دهیم!...

در تاریخ ۳۰ جنوری سال ۱۹۲۴ در شماره ۲۳ روزنامه «پراودا» به چاپ رسیده است. ی. و. ستالین- جلد ۶، کلیات ص- ۴۶ تا ۵۱

توضیحات

(۱)- دومین کنگره شوراهای اتحاد شوروی- از تاریخ ۲۶ جنوری تا دوم فیبروری سال ۱۹۲۴ در مسکو جریان داشت. در نخستین جلسه کنگره که به یادبود و.ای. لنین اختصاص داشت، ی. و. ستالین نطقی ایراد کرد و در آن از طرف حزب بلشویک سوگند با عظمتی یاد کرد که وصایای لنین به خاطر سپرده شده و عملی گردد. کنگره به مناسبت مرگ لنین بیانیه ای «خطاب به بشریت زحمتکش» صادر نمود و برای جاویدان کردن نام لنین تصمیم گرفت کلیات آثار لنین را چاپ و منتشر کند، نام پتروگراد را به لنینگراد تبدیل نماید، روز مرگ لنین را روز ماتم عمومی اعلام کند، در میدان سرخ شهر مسکو آرامگاهی برای لنین بنا نماید و در پایتختهای جمهوری های متحده و همچنین در لنینگراد مجسمه لنین نصب گردد. کنگره گزارش عملیات حکومت شوروی و مسائل مربوط به بودجه اتحاد شوروی و تأسیس بانک مرکزی کشاورزی را مورد بحث و مذاکره قرار داد.

۳۱ جنوری کنگره نخستین قانون اساسی اتحاد شوروی را که تحت رهبری ی. و. ستالین تدوین شده بود، تصویب نمود. کنگره کمیته اجراییه مرکزی و شورای ملیت ها را انتخاب کرد. ی. و. ستالین به عضویت شورای اتحاد انتخاب شد. ص - ۱

(۲)- بحران المان- منظور بحران اقتصادی و سیاسی سال ۱۹۲۳ المان است. در آن موقع دامنه جنبش توده نی انقلابی در کشور توسعه یافت و در نتیجه آن در ساکسون و تورینگ حکومت کارگری تشکیل شد و در هامبورگ قیام مسلحانه برپا گردید. بعد از سرکوب جنبش انقلابی در المان بر شدت ارتجاع بورژوازی در تمام اروپا و همچنین بر خطر هجوم مسلحانه جدیدی به ضد جمهوری شوروی افزوده شد. ص- ۵
بر گرفته از:

نشر اداره نشریات دولتی، مسکو سال ۱۹۴۶، جلد اول (شامل دو قسمت)

بازنویسی و تنظیم برای نشر: سپیده سرخ

جنوری ۲۰۱۴